

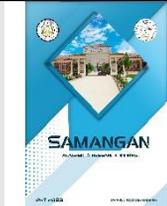


**Samangan Scientific and Research Journal**

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.77

e-ISSN:3105-1715



## **A Comparative Study of Prosodic Meters in the Creative Works of Asadullah Afif Bakhtari and Mohammad Sadeq Usyan's Ghazals**

*Mohammad Naser Zarifi<sup>1,\*</sup>*

<sup>1</sup>Department of Persian-Dari Language and Literature, Faculty of Education, Samangan Higher Education Institute

\*Corresponding Author: [m.nasirzarifi@gmail.com](mailto:m.nasirzarifi@gmail.com)

Cite this study:

Zarifi, M. N. (2024). A Comparative Study of Prosodic Meters in the Creative Works of Asadullah Afif Bakhtari and Mohammad Sadeq Usyan's Ghazals, Samangan Academic and Research Journal, 2(2), 221-236.

### **Keywords**

Bakhtari, Meter, Variation, Poetry, Prosody, Usyan.

Research

Received:

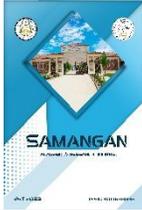
Revised:

Accepted:

Published:

### **Abstract**

The poetry of Balkh's poets is among the prominent representatives of Persian-Dari poetry, especially within Afghanistan's literary geography. Prosody serves as the metric system of verse, in contrast to syntax, which governs prose. Based on the hypothesis that the metrical patterns (prosodic meters and their variations) in the poetry of the two Balkhi poets—Asadullah Afif Bakhtari and Mohammad Sadeq Usyan—exhibit certain differences, the findings reveal that both poets employed fixed-rhythm meters (mutakarib, ramal, rajaz, and hazaj) as well as mixed-rhythm meters (modare', mojtas, and khafif). They utilized well-known variations of these meters: Afif employed 19 distinct meters and 22 variations, whereas Usyan used 17 meters and 21 variations in his poetry. The aim of this research is to examine and identify the prosodic meters in these poets' works and to determine which poet has made greater use of metrical variations and prosodic forms. The research method is analytical-explanatory, focusing on the poems of Afif Bakhtari and Mohammad Sadeq Usyan, supported by references to relevant books and scholarly articles. It addresses questions such as: which prosodic meters have they used, and to what extent have these meters been employed in their poetry.



## مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.77

e-ISSN:3105-1715



## مقایسه اوزان عروضی در آثار آفرینشی سد غزل اسدالله عقیف باختری و محمد صادق عصیان

محمد ناصر ظریفی<sup>۱\*</sup>

<sup>۱</sup>دیارتمنت زبان و ادبیات پارسی‌دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

\* نویسنده مسؤل: [m.nasirzarifi@gmail.com](mailto:m.nasirzarifi@gmail.com)

ظریفی م. ن. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر آموزش امید بر محق‌پنداره تحصیلی و بی‌صدقتی تحصیلی معلمان دارای رفتارهای خودشکن تحصیلی. ۲(۲)، ۲۲۱-۲۳۶.

مرجع‌دهی:

### چکیده

شعر شاعران بلخ، یکی از نماینده‌های خوب در حوزه و جغرافیای شعر فارسی دری بویژه افغانستان است. عروض میزان کلام منظوم است در برابر دستور، که میزان کلام مثنوی پنداشته می‌شود. با این فرضیه که در شعر دو شاعر بلخی (اسدالله عقیف باختری و محمدصادق عصیان) میزان بحرهای عروضی و زحافات آن با تفاوت‌هایی هم‌راه است. نتیجه و یافته‌ها نشان می‌دهد که اوزان عروضی بحرهای متفق‌الارکان (مقارب، رمل، رجز و هزج) و بحرهای مختلف‌الارکان (مضارع، مجتث و خفیف) را به کار گرفته‌اند. از زحافات مشهور و معروف همین بحرها (عقیف ۱۹ وزن و ۲۲ زحاف دارد و عصیان ۱۷ وزن ۲۱ زحاف) در شعر شان استفاده کرده‌اند. هدف پژوهش کنونی بررسی و دریافت اوزان عروضی در شعر این شاعران بوده و کدام شاعر نسبت به شاعر دیگر، بیشتر از زحافات و بحرهای عروضی استفاده کرده است، دریافت گردید. روش پژوهش تحلیلی-تبیینی است، که تکیه بر اشعار عقیف باختری و محمد صادق عصیان دارد، هم‌چنان پژوهشگر با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی مربوط به موضوع، نیز استناد جسته است. به پرسش‌های چون: کدام بحرهای عروضی و چه اندازه وزن‌ها را در شعر شان به کار گرفته‌اند، به آن پاسخ داد.

### کلمات کلیدی

باختری، بحر، زحاف، شعر، عروض، عصیان

## مقدمه

«اسدالله عقیف باختری فرزند محمد امین عقیف باختری شاعر و نویسنده تاجیک و عضو گروه دبیران انجمن نویسندگان بلخ به سال ۱۹۶۲ م در شهر مزار شریف متولد شد و تحصیلات عالی را در دانشکده کشاورزی دانشگاه کابل دنبال کرد، پس از آن، سال‌ها به حیث آموزگار در اداره سواد آموزی ولایت بلخ اشتغال داشت، از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ م. کارمند اداری انجمن نویسندگان بلخ بود و از سال ۱۹۹۸ م. تا یک مدت در بخش فرهنگی و نشراتی ریاست هلال احمر ولایت بلخ ایفای وظیفه کرد. (خلیق، ۱۳۸۷: ص ۵۴۸) باتاسف که او در سال (۱۳۹۶ خورشیدی) فوت کرد. (ظریفی، ۱۳۹۷، ص ۷۹). محمداصداق عصیان در چهاردهم جدی سال ۱۳۵۲ خورشیدی در شهرستان کهنه ولایت بلخ زاده شده است و در مکاتب شهر مزارشریف (امیر خسرو و لیسه عالی باختر) درس خوانده است. در پایان سال ۱۳۷۵ خورشیدی از رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بلخ فارغ گردیده و از سال ۱۳۸۱ تا نیمه نخست سال ۱۴۰۰ در دانشگاه بلخ مصروف تدریس بوده و نیز دبیر بخش شعر انجمن آزاد نویسندگان بلخ بود. عصیان از سال ۱۹۹۱ م. به سرایش شعر پرداخت. او دوره کارشناسی ارشد را در تاجیکستان فراگرفت (خلیق، ۱۳۸۷: ص ۵۹۰). در آخر عمر از اثر مریضی در کشور آلمان فوت کرد. از او چندین اثر شعری و کتاب‌های پژوهشی و ده‌ها مقاله علمی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. عصیان نیز از جمع دبیران انجمن نویسندگان بلخ بوده و مدتی را در رادیو تلویزیون ملی آرزو در بلخ خدمت کرده است. (ظریفی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸-۱۰۹)

پیش از این پژوهش بررسی پارادوکس در شعر برخی از شاعران معاصر بلخ سال (۱۳۹۷) تیزس ماستری است که نگارنده این پژوهش در آن از شعر هردو شاعر، پیرامون پارادوکس بحث کرده است. اثر پژوهشی دیگری به نام «بررسی حس آمیزی در شعر معاصر بلخ» سال ۱۴۰۰ نیز از همین نویسنده موجود است که شاعران نام برده را، از جهت انواع حس آمیزی به بررسی گرفته است. پس پیرامون این موضوع، هیچ‌گونه پژوهشی انجام نیافته است.

عنوان به دست داشته نخستین کار تحقیقی پژوهشی پیرامون مقایسه و بررسی در دو اثر سدغزل دو شاعر معاصر افغانستانی (عقیف باختری و محمداصداق عصیان) از شاعران بلخ بامی بوده و هیچ‌گونه تحقیقی در این راستا تا هنوز به دست رس نگارنده این پژوهش قرار نگرفته است. کنکاش پیرامون زحافات و بحرهای عروضی شعر این دو، یکی از ضرورت‌ها دانسته شده که میزان و بسامد اوزان و زحافات به کاررفته در شعر آن‌ها به معرفی گرفته شده است. از این لحاظ، به پایان رسانیدن تحقیق علمی و در یافت وضعیت بحرهای عروضی بلخ به عنوان یک رکن اساسی شعر پنداشته شده و ضروری بوده است. آن دو، هم‌واره با سروده‌های نغز و پرمغز خویش از بحرهای عروضی استفاده کرده اند. پس تحقیق پیرامون شعر آن شاعران معاصر بلخی، می‌تواند دارای اهمیت باشد.

مهم‌ترین مسأله‌یی که در این بخش قابل توجه این پژوهش قرار گرفته است، به کارگیری و برابری «بحرهای عروضی و زحافات آن در دو اثر سد غزل دو شاعر بلخی (عقیف باختری و محمداصداق عصیان)» است. این که کاربرد بحرها تا چه حد و چگونه مورد توجه آن‌ها بوده، حد و اندازه کاربرد

زحافات تا کدام پیمانه بوده و تا چه حد بحور عروضی را در شعرشان به کار گرفته اند؛ به مقایسه و بررسی گرفته می‌شود. محقق در این تحقیق کوشش می‌کند، تا در پایان زحافات دست‌یافته را گزارش کرده و با پاسخ‌های قناعت‌بخشی که در برگیرنده تمامی جنبه‌ها باشد، در یافت گردد.

در این پژوهش با وجودی که در مورد عروض در شعر سخن گفته شده است؛ مگر این کنکاش تازه‌گی و پویایی خاص خودش را نیز دارا می‌باشد. به این دلیل که از یک‌سو کاربرد این بحرهای در شعر توانایی و برخوردار بودن از عروض را نشان داده و از سوی دیگر چهره واقعی آگاهی آن دو، پیرامون عروض و زحافات را آفتابی می‌کند. ادعا می‌شود که این تحقیق تازه و جدید است که تا هنوز هیچ‌کسی در این مورد (مقایسه هردو) سخنی نگفته است؛ پس، محقق خواسته است تا در این رابطه نشان بدهد که چگونه این بحرهای به کار برده شده و بر کدام زحافات خلاصه می‌شود. هم‌چنان هدف از این پژوهش، دریافت و شناسایی بحرهای عروضی در شعر هردو شاعر؛ بسامد بحرهای متفق الارکان و مختلف الارکان در شعر آن‌ها؛ بسامد و کاربرد زحافات عروضی در شعر آن‌ها است؛ همین‌گونه به پرسش‌های چون: به‌کارگیری بحرهای عروضی (متفق الارکان و مختلف الارکان) در شعر عقیف باختری و محمدصادق عصیان تا کدام پیمانه است؟ کدام زحافات و اوزان شعری در شعر آن‌ها بازتاب یافته است؟ آیا این دو شاعر در اوزان و تغییر زحافات نوآوری کرده‌اند یا خیر؟ زحافات شعری کدام شاعر بلخی اضافه تر است؟ آیا آن‌ها از بحور مختلف الارکان، در شعر خود به کار گرفته اند یا خیر؟ بحرهای متفق الارکان در شعر کدام شاعر بیشتر است؟ پاسخ داد. به فرض اینکه؛ به‌کارگیری زحافات و بحور عروضی در شعر یکی از توانایی‌ها محسوب می‌شود، که این شاعران به خوبی از آن به‌در آمده‌اند. در گذشته‌ها کاربرد بررسی و مقایسه شعری در شعر زیاد بررسی شده است ولی این موضوع در شعر شاعران بلخی (باختری و عصیان) به چشم نمی‌خورد، مگر با موضوعات چون: بدیعی، بیانی، محتوای شعری و یا قالب‌های شعری نگاشته‌هایی موجود است. پس پژوهش کنونی با روش تحلیلی-تبیینی و با استفاده از کتاب‌های شعری هردو شاعر بلخی به پژوهش گرفته شده و در بخش معرفی بحرهای از کتاب‌های فنون ادبی بویژه عروض، نیز پژوهشگر مدد جسته است. اگر به بررسی پیشینه پژوهش بپردازیم دیده می‌شود که یک عده بزرگان نیز مانند: - بررسی آماری اوزان غزل‌های بیدل دهلوی و مقایسه آن (با اوزان) غزل فارسی و سبک هندی، مقاله علمی نشر شده در مجله (علمی-پژوهشی) فنون ادبی دانشگاه اصفهان در سال (۱۳۸۸) نوشته مهدی کمالی، دکتر محمدکاظم کهدویی و دکتر سید محمود الهام‌بخش است که در آن از میزان و آمار وزن غزل بیدل سخن گفته شده است؛ بررسی گونه‌های وزن در غزل شاعران بزرگ سده‌های دهم، یازدهم و دوازدهم نوشته دکتر محمد حسین کرمی و محمد مرادی، نشر شده در مجله (علمی - پژوهشی) فنون ادبی دانشگاه اصفهان در سال (۱۳۸۹) است؛ این پژوهش نیز از گونه‌های وزنی در طی سده‌های دهم- دوازدهم بحث می‌کند؛ - بررسی آماری اوزان غزل‌های غالب دهلوی، نوشته محمدرضا نجاریان و مریم غضنفری در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است، که در آن به ۲۰ وزن به نتیجه رسیده است. - بررسی بسامدی اختیارات وزنی در قصیده‌های ناصر خسرو، نوشته وحید عیدگاه طریقه‌ی، نشر شده در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران که به بسامدی اختیارات وزنی به

عنوان نوعی سبکی شاعر پرداخته شده است؛ - بررسی تطبیقی وزن‌های کمی و تکیه‌ای-هجایی در فارسی و گیلکی، نوشته امید طبیب‌زاده است که در دانشگاه بوعلی سینا است که تطبیق وزن‌های کمی و تکیه‌ای را در شعر فارسی و و گیلکی است. - بررسی مقایسه‌ای جنبه‌های موسیقی در اشعار سلمان هراتی و مهدی اخوان ثالث، نوشته رفیقه یوسفی و محمدرضا شادمنا من، که جنبه‌های موسیقی اشعار هردورا به مقایسه گرفته و در فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی به چاپ رسیده است؛ - بررسی مقایسه‌ای موسیقی بیرونی و کناری غزل‌های سنایی و عطار، نوشته حسین اتحادی نشر شده در دانشگاه آزاد اسلامی است که به مقایسه و بررسی موسیقی بیرونی و کناری شعرهای سنایی و عطار پرداخته است. در نتیجه سنایی بیشتر از عطار به این موضوع روی آورده است. همچنان محمدحسن میرزاحمدی بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌های فلسفی افلاطون و فارابی را از سه دیدگاه (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه تبریز نگاشته است. تحلیل مقایسه‌ای ساخت‌گذاری در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم و اسفندیار» به مسؤلیت شاهرخ حکمت و دیگران با روش تحلیلی-آماری به چاپ رسیده است. - آیین در آیین (پژوهش، نقد و نظر) نوشته صالح محمد خلیق (۱۳۹۴) نشر انجمن نویسندگان بلخ، نیز همچنان در مورد روی‌کردهای سیاسی-اجتماعی در دفتر شعر مثل احوال جهان عصیان است، که از جای‌گاه بلندی برخوردار است؛ نویسنده این کتاب را با در نظر داشت نقد و نظریه پردازی در یک بخش آن از شعر عصیان سخن رانده است. - بی‌معنایی، رهاشده‌گی و متن، نوشته نورمحمد نورنیا (۱۳۹۹)، نشر کانون ادبی دیگر، نگارنده در این کتاب صرف پیرامون «موقعیت‌های انسان در جهان متن عفیف باختری» را به بحث گرفته است که یک بخش کوچک آن تعلق به عفیف است؛ - «در پیچ و خم غزل امروز بلخ» کتابی است از شاعر بلخی عبدالوهاب مجیر، در این کتاب نیز دو غزل از اشعار عفیف باختری نقد شده است که در آن نیز برای عفیف عنوان «خوب‌ترین و بدترین شعر غزل عفیف را دانسته است» (۱۳۸۹)، البته این کتاب، نشر انجمن نویسندگان بلخ بوده که در پاکستان-پشاور به چاپ رسیده است؛

تا اکنون در مورد عروض و زحافات شعر آن دو شاعر بلخی، در افغانستان کدام کتاب مدون اقبال چاپ نیافته و به‌ویژه پیرامون شعر معاصر بلخ چیزی به‌عنوان مقایسه اوزان عروضی به چشم نمی‌خورد؛ ولی پیرامون شعر معاصر بلخ و زیبایی‌های شعری این دو شاعر (بررسی پارادوکس در شعر برخی از شاعران معاصر بلخ از دهه شست تا نود هـ.خ) تیزس ماستری سال (۱۳۹۷) دانشگاه بلخ، نوشته محمدناصر ظریفی موجود است که در آن این دو شاعر نیز دخیل است. اثر علمی دیگری نیز از همین نویسنده پیرامون «حس‌آمیزی» نگاشته شده است که نیز این دو شاعر از نگاه فنون ادبی (بدیعی) بررسی شده است. این کتاب در سال (۱۴۰۰) نشر مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان موجود است. پس، شعر معاصر بلخ مملو از زیبایی‌ها بوده و نشان‌دادن آن زیبایی‌ها نیز امر مهم؛ در حالی که بسامد بحور و اوزان عروضی در شعر شاعران معاصر بلخ به وفور دیده می‌شود و نیاز است تا در مورد تحقیق صورت گیرد؛ تا حد و اندازه کاربرد اوزان عروضی در شعر، برای علاقه‌مندان هویدا گردد.

### تعریف عروض

عروض در لغت، نوعی از شتر ماده را گویند. برخی آن را به مکه نسبت داده‌اند، چون در قدیم به مکه «العروض» می‌گفته‌اند و چون واضح آن در مکه به این علم دست یافت، آن را عروض نامیده‌اند. نزد قدما عروض چوبی است که خیمه بر آن قایم باشد و نیز وزن شناسی شعر را عروض گفته‌اند که مربوط به شنوایی است (ثابت‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۷). یا به عبارت دیگر، عروض، یکی از انواع علوم ادبی است که از وزن (آهنگ) شعر بحث می‌کند. عروض علم میزان کلام موزون است، مانند نحو، میزان کلام منثور است. عروض بیشتر به علم سماعی تعلق داشته است تا نوشتاری (مکتوبی) یعنی هر چه را می‌شنویم به حساب می‌آوریم مانند: تنوین که خوانده می‌شود و نوشته نمی‌شود و یا «ها»ی غیر ملفوظ که به حساب نمی‌آید. بنابراین عروض معنای عرض کردن شعر را می‌رساند و هم وزن شعر را در علم ادبیات‌شناسی عروض می‌نامند (بنووال، ۱۳۹۳: ۲۵) همچنین وزن شناسی شعر را عروض گفته‌اند. شاملو وزن را عنصر خارجی، تحمیلی والحاقی می‌دانست (لعیاتبار، ۱۳۹۱: ۱). وزن با همه ساز و کار شکل ظاهری اش در تعامل با ساختار معنایی خود، تولید موسیقی می‌کند (صدیقه علیپور، ۱۳۸۸: ۱۳۲) عروض به معنی راه در کوه نیز آمده است (ناصری، ۱۳۹۸: ۱۲۸). اگر تمامی آثار عروضی را ببینیم در می‌یابیم، که همه تعریف‌ها تکراری و از قول بزرگان ادبیات نقل شده است. پس یگانه تعریفی که تازه به نظر می‌رسد تعریف دکتر شفیع کدکنی است که او به عروض، موسیقی بیرونی گفته است. از نظر او شعر، دو موسیقی دارد:

۱- موسیقی بیرونی که همان وزن عروضی است بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها؛

۲- موسیقی دورنی که عبارتست از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر (کدکنی، ۱۳۹۲: ص ۵۱). شعر فارسی در شمار آهنگین‌ترین و موسیقایی‌ترین شعرهای جهان است (فتوحی، و حبیب الله عباس، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

### بحر چیست؟

بحر در علم ادب‌شناسی به معنای گروه آمده است، یعنی گروه معین وزن‌هایی که از یک مخرج پیداشده‌اند بحر نامیده می‌شود. (دورانوف به نقل از بنووال، ۱۳۹۳: ۶۶) یا مجموعه‌ی چند وزن شبیه به هم که اختلاف زیادی ندارند، بحر است (آرین فقیری، ۱۳۹۶: ۲۷).

### وزن

«وزن هیاتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات (طوسی، ۱۳۶۳، ۳) وزن به معنی سنجیدن و اندازه‌کردن (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹۰)، سنجیدن و سرودن شعر مطابق میزان، و در اصطلاح عروض عبارت است از تقطیع وزن عروضی برابر بودن شعر با یکی از بحور عروضی (دهخدا). همچنان وزن را، عضو از خانواده موسیقی (زرقانی، ۱۳۹۲: ۳۶) می‌دانند. شعر و موسیقی ... هر دو شنیداری‌اند و ارتباطی مستقیم دارند (کی منش، بی تا: ۳۷).

### غزل

فرهنگ عمید غزل را: صحبت کردن با زنان، سخن گفتن با زنان و عشقبازی کردن، حدیث عشق زنان و سخنی که در وصف زنان و عشق آنان گفته شود (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۸۷) یا «سخن گفتن با زنان و عشقبازی نمودن، حدیث زنان و حدیث عشق ایشان کردن، بازی کردن بامحبوب است» (دهخدا) آنچه که غزل این شاعران را علاقه‌مندان ایشان به آن پرداخته اند عبدالوهاب مجیر شاعر بلخی از دید انتقادی در حق عقیف چنین می‌گوید «از دید و دیدار من شاید هیچ شاعری در بلخ و در افغانستان به حد عقیف باختری «بیت»‌های خوب و هم «بیت»‌های «بد» نداشته باشد (مجیر، ۱۳۸۹، ۱۶۹). و اما همین شاعر بلخی (مجیر) در حق استاد عصیان نیز گفته است: «تصویرهای بکر، زبان آهنگین و پر لطف، بینش‌های غالباً روشنگرانه، عواطف رقت آمیز، بازی‌های زبانی و در نظر داشتن موسیقی درونی و بیرونی واژه‌ها از ویژه‌گی‌های برجسته، در غزل‌های عصیان استند که این غزل‌ها خود از نمونه‌های مسلم غزل امروز بلخ و افغانستان محسوب می‌شوند. (مجیر، ۱۳۸۹، ۱۵۱).

### کاربرد بحرهای عروضی در شعر اسدالله عقیف باختری و محمدصادق عصیان

#### بحر رمل

رمل در لغت حصیر یافتن است؛ یا باریک بافتن بوریا است. و از این جهت به آن رمل گفته‌اند که گویا ارکان آن را در هم بافته‌اند بنا بر این بحر رمل از تکرار (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) بوجود آمده که مثنی (هشت رکنی)، مسدس (شش رکنی) و مربع (چهار رکنی) بوده است (بنووال، ۱۳۹۳، ص ۸۴). این بحر را از جمع اوزان جویباری نیز گفته‌اند (جدیدالاسلامی قعله نوو صفایی کشتگر، ۱۳۹۰: ۷۰). عقیف باختری در بحر رمل ۱۹ غزل و ۶ زحاف که ۱۹ فیصد کل غزل او را در این مجموعه نشان می‌دهد و عبارت از زحاف‌های: محذوف، مقصور، مخبون، اصلم و مخبون محذوف و مخبون مقصور به کار گرفته است که در شماره بندی‌های زیر هر کدام به نوبه خویش رکن بندی شده است. استاد عصیان، جمله ۳۳ غزل در بحر رمل سروده که ۳۳ فیصد کل شعر صد غزل او را در برگرفته که به ۵ وزن است؛ هم‌چنان زحاف‌های، مسبغ، مقصور، مخبون و محذوف در شعر آن آمده است. اکنون می‌پردازم به زحاف‌های به‌کاررفته در شعر این دو شاعر بلخی:

۱- در بحر رمل مثنی محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) عقیف ۲ غزل و عصیان ۱۸ غزل دارد.

پشت تنهایی من کیست که پنهان شده است؟ دلم از سایه خود نیز گریزان شده است  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۳۹)

اتفاق تازه بسیار است؛ اما نیستی زنده‌گی از سوژه سرشار است؛ اما نیستی  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۳)

۲- بحر رمل مثنی مقصور (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) کاظمی این وزن را از جمله وزن‌های شفاف خوانده است. (کاظمی، ۱۳۷۰، ۱۸۷) که باختری ۲ غزل دارد و عصیان ندارد.

- بر لبانش غیر یک لبخند شیطانی نبود شهر، تصویرش که دیدم هیچ انسانی نبود  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۴۲)
- ۳- رمل مثنیٰ مخبون اصلم (فعلاتن فعلاتن فع لاتن فع لن) باختری ۸ غزل دارد و عصیان ندارد.  
به خیال تو خوشا هرچه فروتر شدم در شط عشق شبی با تو شناور شدم  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۸)
- ۴- رمل مثنیٰ مخبون مقصور (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلات) باختری ۳ غزل دارد و عصیان ۹  
غزل.

- باز شب آمد و درها همه مسدود شدند همه با پنجره آمادهٔ پدرو شدند  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۱۰)
- دیگر این قافیه‌بندی جهان خسته‌کن است زنده‌گی، این غزل بی‌هیجان خسته‌کن است  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۵۰)
- ۵- رمل مثنیٰ مخبون محذوف (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن) باختری ۳ غزل دارد و عصیان ۵  
غزل دارد.

- راه پرواز سد و پنجره مسدود شده پای ما آبله و جاده نم‌کسود شده  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۳۵)
- فرض کن پنجره ام، رخ به رخت وا شده ام یا در خانهٔ عشقم، که تماشا شده ام  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۴)
- ۶- رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) باختری ۱ غزل دارد و عصیان ندارد.  
هرچه دنیار ا تماشا می‌کنم خنده برغم‌های دنیا می‌کنم  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۸۷)
- ۷- رمل مثنیٰ مسبغ (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) عصیان ۱ غزل دارد و باختری ندارد.  
چه‌سان این لحظه‌های سرد را باید تحمل کرد؟ نمی‌دانم چه‌قدر این درد را باید تحمل کرد؟  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۲۳)

### بحر هزج

هزج به معنی آواز و سرود است در غنا و اغلب نشیده‌ها و آغانی عرب در این بحر است بدان جهت آن را هزج گفته‌اند. بنا براین بحر هزج از تکرار (مفاعیلن) پدید می‌آید (نژاد، بی‌تا، ص ۴۳) در این بخش به مهم‌ترین و معروف‌ترین زحاف‌های این بحر که در میان اشعار پارسی دری رایج است پرداخته می‌شود. در شعر عقیف باختری وزن سالم و یک وزن اُخرب مکفوف محذوف آمده است که در مجموع ۷ غزل است. در شعر عصیان در بحر هزج ۳ غزل دارد که به ترتیب در ۳ وزن و زحاف‌های اُخرب، مکفوف، ابتر، مقصور و ازل آمده است.

- ۱- هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) باختری ۲ غزل دارد و عصیان هیچ  
شبهه آدم برفی من از خورشید ترسیدم شب‌ازماهی که از مرداب می‌تابید ترسیدم

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۷۷)

۲- هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) باختری ۵ غزل و عصیان

هیچ.

ای آن که فرودست‌ترین مرد زمینی امروز در آیینه چه افسرده‌ترینی

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۲۶)

۳- هزج مثنیٰ اُخرب مقبوض ازل (مفعول مفاعلن مفاعیلن فاع) عصیان ۱ غزل و باختری هیچ.

سلطانِ بزرگ! حالِ جنگلِ خوب است اوضاعِ قلم‌روی شما مطلوب است

(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۲۵)

۴- هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف ابتر (مفعول مفاعیل مفاعیلن فع) (آرین فقیری، ۱۳۹۶: ص ۱۱۲)

عصیان ۱ غزل و باختری هیچ.

عشق تو به ناکجا کشیدن دارد/ مفعول مفاعلن مفاعیلن فع /اختیارات شاعری در رکن دوم (مفاعیل

به مفاعلن)

سودای تو یک عمر تپیدن دارد (۳۴ عصیان،) / هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف ابتر: مفعول مفاعیل

مفاعیلن فع

۵- هزج مسدس مقصور (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) عصیان ۱ غزل و باختری هیچ.

من و این خانه خاکستر اندود درودیوارش آتش، سقفش از دود

(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶)

### بحر متقارب

مقارب در لغت به معنی نزدیک به هم بوده و در اصطلاح عروض به بحری گفته می‌شود که از تکرار

چهاربار «فعولن» به دست می‌آید (نژاد، بی‌تا، ۵۸). وزن اثر بزرگ و زین شاهنامه فردوسی نیز به همین

وزن است:

باختری در بحر متقارب، یک غزل در یک وزن (مقارب مثنیٰ مسبغ) سروده است. عصیان در بحر

مقارب ۲ غزل داشته است که به ترتیب در زحاف‌های مقصور و محذوف آمده است:

۱- مقارب مثنیٰ مسبغ (فعولن فعولن فعولن فعولن) باختری ۱ غزل و عصیان هیچ.

و آن‌گه فرود آمد از آسمان سنگ فروریخت بفرق ما یک جهان سنگ

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۷)

۲- مقارب مثنیٰ مقصور (فعولن فعولن فعولن فعولن) عصیان ۱ غزل و باختری هیچ.

نه شوق شگفتن، نه شور نموست بهار من امسال بی‌رنگ و بوست

(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰)

۲- مقارب مثنیٰ محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل) عصیان ۱ غزل و باختری هیچ.

کجا دفن سازم من این مرده را؛ دل بی‌فروغ غم‌افسوده را؟

(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲)

### بحر رجز

رجز در لغت به معنی اضطراب و سرعت بوده و در اصطلاح عروض به بحر می‌گفته می‌شود که از تکرار رکن « مستفعلن » به دست می‌آید. عصیان در بحر رجز مثنی مطوی مخبون ۱ غزل در ۱ وزن و زحاف‌های مطوی و مخبون را به کار برده است.

۱- بحر رجز مثنی مطوی مخبون (مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن) عصیان ۱ غزل و عقیف هیچ. ای وطن عزیز من! روز و شبم عزای توست تازه‌ترین سرود من مرثیه‌یی برای توست (عصیان، ۱۳۹۷، ص ۵۴)

### بحر مضارع

بحر مضارع از اصل «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» ساخته می‌شود (یزدانی سوسن و مسعود روحانی، ۱۳۹۲: ۴۴۱) مضارع به معنی مشابه نیز است. مضارع بحر می‌باشد که اصل آن چهاربار «مفاعیلن فاعلاتن» است و لیکن اصل سالم آن مطبوع و خوش آیند نیست (نژاد، بی تا، ۶۷). بیشتر زحافات آن (مخصوص مثنی اُخرب) مطرح است که در نمونه‌های زیر آورده شده است.

#### بحر مضارع در شعر عقیف باختری و محمدصادق عصیان

باختری در بحر مضارع ۴۸ غزل داشته و به ۳ وزن آورده است و زحاف‌های اُخرب، مکفوف، محذوف را داراست. عصیان در بحر مضارع ۳۴ غزل داشته است که به ۳ وزن و زحاف‌های اُخرب، مکفوف، مقصور و محذوف بخش می‌شود.

۱- مضارع مثنی اُخرب مکفوف مقصور (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات) باختری ۱۶ غزل و عصیان ۱۹ غزل دارد.

پیچیده در فضای دل و در فضای شام  
آواز گریه‌های من و گریه‌های شام  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۶)

تصویر ناب کیست در این شیشه زلال  
در لابلای صفحه انترنت خیال؟  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۵)

۲- مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلهن) که وزن جویباری نیز به آن می‌گویند (بهرامیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). باختری ۳۱ غزل و عصیان ۱۴ غزل دارد.

پاییز را بهانه گرفتم گریستم  
از سوز دل زبانه گرفتم گریسم  
(عقیف، ۱۳۹۶: ص ۱)

آماده ام که شکل شوم، محتوا شوی  
من قانعم که حنجره ام را صدا شوی  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۹)

۳- بحر مضارع مثنی اُخرب (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن) هر دو در این وزن یک یک غزل دارد. رفتیم مثل دریا با یک جهان تلاطم  
کردیم تندآسا با صخره‌ها تصادم

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۵۵)

شب‌های بی‌ترانه، شب‌های بی‌ترنم      داستان بی‌طراوت، لب‌های بی‌تبسم  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۹۸)

### بحر خفیف

مرحوم دهخدا در ذیل واژه‌ی خفیف آورده است «خفیف نزد عروضیان اسم بحریست که وزن آن فاعلاتن مستفعّلن فاعلاتن» (نژاد، بی‌تا، ۷۵) باشد دوباره، نیز به نقل از جامع الصنایع می‌آرد: «بحر خفیف را دو وزن می‌باشد: یکی تام و دیگری جزو، مانند:

زخفیف ارطلب کنی مثلی را تو وزن کن      فاعلاتن مفاعّلن فاعلاتن مفاعّلن  
دوم دوجزء براصل و یکی محذوف و مثال آن این شعر:

زخفیف آن نمونه کش بسخن      فاعلاتن مفاعّلن فعّلن

باختری در بحر خفیف، ۳ غزل در ۳ وزن سروده است که در آن زحاف‌های مخبون، مقصور، محذوف و اصلم آمده است و عصیان در این بحر شعر ندارد.

۱- خفیف مسدس مخبون مقصور (فاعلاتن مفاعّلن فعلات) ۱ غزل.

هله ای دل بیا شتاب کنیم      پای در حلقه رکاب کنیم

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۱۷)

۲- خفیف مسدس مخبون محذوف (فاعلاتن مفاعّلن فعّلن) ۱ غزل.

بسته در انتظار می‌گذرد      چه خنک روزگار می‌گذرد (باختری، ۱۳۹۶، ص ۵۳)

۳- خفیف مسدس مخبون اصلم (فاعلاتن مفاعّلن فع لن) ۱ غزل.

درد بودن چگونه دردی هست؟      تلخی منحصر به فردی هست

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۶۹)

### بحر مجتث

اجتثاث از بیخ کنده شده است (نژاد، بی‌تا، ص ۷۱) مسدس این بحر که از «مستفعّلن فاعلاتن» است از بحر «خفیف» گرفته شده است، چون در ارکان این هردو بحر اختلاف همین است که در این بحر «مستفعّلن» مقدم است بر دو «فاعلاتن» و از زحافات این بحر اکثر وزن «مفاعّلن فاعلاتن مفاعّلن فعلات» می‌آید. اجزاء بحر «مجتث» از اصل «مستفعّلن فاعلاتن» چهار بار «مفاعّلن فاعلاتن» می‌آید و زحاف این بحر نه است: (خبین، شکل، قصر، حذف، رفع، جحف، اسباع، تشعیث و صلّم).

زحافات به کار رفته در شعر باختری: در این بحر ۲۲ غزل، ۴ وزن و ۵ زحاف (مخبون، محذوف، مقصور، اصلم و مسبغ) به کار گرفته شده است. عصیان در بحر مجتث ۲۷ غزل سروده است که در ۳ وزن و به ترتیب در زحاف‌های مخبون، اصلم، مقصور و محذوف زیر بخش بندی شده است.

۱- مجتث مثنی مخبون محذوف (مفاعّلن فاعلاتن مفاعّلن فعّلن) باختری ۱۰ غزل و عصیان ندارد.

به جستجوی تو نی سوختم نه دود شدم      به رنگ باغ زمستان زده کبود شدم

(باختری، ۱۳۹۶، ص ۲)

۲- مجتث مثنیٰ مخبون مقصور (مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعلاَت) باختری ۱ غزل و عصیان ۵ غزل دارد.

چه انتقام بزرگی که روزگار گرفت      اداره، جان مرا پشت میز کار گرفت  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۲۸)

دو رشته رودِ روانیم و در کنارِ همیم      دو کوچه باغِ طویلیم و هم جوار همیم  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۳)

۳- بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فع لِن) باختری ۷ غزل و عصیان ۱۱ غزل دارد.

به سمت رود مرا امتداد بخشیدی      حباب زنده‌گی‌ام را به باد بخشیدی  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۴۶)

پلنگ گونه فشردی گلوی آهو را      شکنجه می‌کنی اکنون تمامتِ او را  
(عصیان، ۱۳۹۷: ص ۱)

۴- بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم مسبغ (مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فع لان) باختری ۴ غزل و عصیان هیچ.

مرا به حال خودم زرد و زار بگذارید      دلم گرفته از این روزگار! بگذارید  
(باختری، ۱۳۹۶، ص ۷۴)

۳- مجتث مثنیٰ محذوف (مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعِلن) عصیان ۱۱ غزل دارد و باختری هیچ.

گذاشتی که جهنم شود جدایی‌ما      جهانِ شعله‌ور از غم شود جدایی‌ما  
(عصیان، ۱۳۹۷، ص ۱۷)

جدول اوزان عروضی به‌کاررفته در صد غزل اسدالله عقیف باختری				
بحرهای متحدالارکان				
شماره	بحر	تعداد غزل	تعداد وزن	تعداد زحاف
۱	مقارِب	۱	۱	۱
۲	رَجَز	۰	۰	۰
۳	کامل	۰	۰	۰
۴	مِتدَارک	۰	۰	۰
۵	رَمَل	۱۹	۶	۷
۶	هَزَج	۷	۲	۲
۷	وَافِر	۰	۰	۰
بحرهای مختلف الارکان				

۱	مضارع	۴۸	۳	۳
۲	مجث	۲۲	۴	۵
۳	خفیف	۳	۳	۴
۴	مقتضب	۰	۰	۰
۵	منسرح	۰	۰	۰
۶	طویل	۰	۰	۰
۷	مدید	۰	۰	۰
۸	جدید	۰	۰	۰
۹	بسیط	۰	۰	۰
۱۰	قریب	۰	۰	۰
۱۱	سریع	۰	۰	۰
۱۲	مشاکل	۰	۰	۰
مجموع	۶ بحر	۱۰۰ غزل	۱۹ وزن	۲۲ زحاف

## جدول اوزان عروضی به کاررفته در صد غزل محمدصادق عصیان

## بهرهای متحدالارکان

شماره	بحر	تعداد غزل	تعداد وزن	تعداد زحاف
۱	مقارب	۲	۲	۲
۲	رجز	۱	۱	۲
۳	کامل	۰	۰	۰
۴	متدارک	۰	۰	۰
۵	رمل	۳۳	۵	۴
۶	هزج	۳	۳	۵
۷	وافر	۰	۰	۰

## بهرهای مختلف الارکان

۱	مضارع	۳۴	۳	۴
۲	مجث	۲۷	۳	۴

۰	۰	۰	خفیف	۳
۰	۰	۰	مقتضب	۴
۰	۰	۰	منسرح	۵
۰	۰	۰	طویل	۶
۰	۰	۰	مدید	۷
۰	۰	۰	جدید	۸
۰	۰	۰	بسیط	۹
۰	۰	۰	قریب	۱۰
۰	۰	۰	سریع	۱۱
۰	۰	۰	مشاکل	۱۲
۲۱ زحاف	۱۷ وزن	۱۰۰ غزل	۶ بحر	مجموع

### جدول مقایسه بحرها و زحافات به کاررفته در شعر هردو شاعر معاصر بلخ

تعداد وزن	محمدصادق عصیان			اسدالله عقیف باختری			
	تعداد زحاف	نام بحر	شماره	تعداد وزن	تعداد زحاف	نام بحر	شماره
۲	۲	مقارب	۱	۱	۱	مقارب	۱
۱	۲	رجز	۲	۰	۰	رجز	۲
۵	۴	رمل	۳	۶	۷	رمل	۳
۳	۵	هزج	۴	۲	۲	هزج	۴
۳	۴	مضارع	۵	۳	۳	مضارع	۵
۳	۴	مجثث	۶	۴	۵	مجثث	۶
۰	۰	خفیف	۷	۳	۴	خفیف	۷
۱۷	۲۱	۶	مجموع	۱۹	۲۲	۶	مجموع

### نتیجه‌گیری

عروض میزان کلام منظوم است در برابر نثر، که کلام منثور است قرار دارد. بحر در علم ادبشناسی به معنای گروه آمده است، یعنی گروه معین وزن‌هایی که از یک مخرج پیداشده اند بحر نامیده می‌شود. بحرهای متفق الارکان: که از تکرار افاعیل عروضی به وجود می‌آید عبارت از: رجز، رمل، هزج، مقارب، متدارک، کامل و وافر است. بحرهای مختلف الارکان: که از ترکیب و تکرار افاعیل عروضی که همان بحور متفق الارکان است تشکیل شده و دارای بحرهای ذیل می‌باشد مانند: مضارع، مجثث، خفیف، منسرح، مدید، بسیط، سریع، طویل، جدید، قریب، مشاکل و مقتضب.

در کل این دوشاعر بلخی، از ۷ هفت بحر عروضی، ۴۳ زحاف و ۳۶ وزن استفاده کرده‌اند. از نگاه تعدد وزن هردو به شش شش بحر عروضی شعر گفته‌اند؛ و اما از لحاظ وزن و زحاف عقیف باختری نسبت به عصیان پیشی گرفته است. عصیان از ۴ بحر متفق الارکان و ۲ بحر مختلف الارکان استفاده نموده و عقیف از ۳ بحر متفق الارکان و ۳ بحر مختلف الارکان در شعرش استفاده کرده است. در شعر عقیف بحرهای مضارع، مجتث و رمل بیشتر کاربرد داشته و در شعر عصیان، مضارع رمل و مجتث فراوان آمده است. در این مورد تاجایی میان هردو شباهت‌های بسامدی و وزنی و بحری نیز دیده می‌شود. همچنان عقیف از ۱۹ وزن شعری و ۲۲ زحاف در شعر خود استفاده کرده و عصیان از ۱۷ وزن شعری و ۲۱ زحاف در شعر استفاده کرده است.

### منابع و مأخذ

- آرین فقیری، نصیر احمد. (بی تا). عروض در شعر پارسی‌دری. کابل: چاپ دوم، انتشارات فرهنگ، مطبعه کاروان.
- بنووال، محمد افضل. (۱۳۹۳). وزن شعر دری. کابل: چاپ سوم، انتشارات سعید.
- ثابت زاده، منصوره. (۱۳۸۸). *بحور و اوزان اشعار فارسی: بررسی عروضی اشعار فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، انوری، خاقانی و معرفی کتاب‌های عروضی معاصر*. تهران: انتشارات زوار.
- جعفری، محمود. (۱۳۸۷). *آموزش شعر*. کابل: مطبعه میوند.
- خلیق، صالح محمد. (۱۳۹۴). *آیین در آیین*. کابل: انجمن نویسندگان بلخ، مطبعه مسلکی افغان.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۴). *لغت نامه*. تهران: چاپ دوم، جلد ۵، چاپ لیدا.
- طوسی، نصیر احمد. (۱۳۶۳). *معیار الاشعار در علم عروض و قوافی*. محمد فشارکی و جمشید مظاهری؛ اصفهان: سپهروردی.
- ظریفی، محمدناصر. (۱۳۹۷). *بررسی پارادوکس در شعر برخی از شاعران معاصر بلخ*: دانشگاه بلخ.
- ظریفی، محمدناصر. (۱۴۰۰). *بررسی حس آمیزی در شعر برخی از شاعران معاصر بلخ*. سمندگان: مؤسسه تحصیلات عالی سمندگان.
- عصیان، محمدصادق. (۱۳۹۷). *فراخوان (صد غزل)*. کابل: انجمن قلم افغانستان.
- عقیف باختری، اسدالله. (۱۳۹۶). *صد غزل (شعر معاصر پارسی‌دری)*؛ چاپ دوم، انتشارات برگ.
- فتوحی، محمود و حبیب الله عباسی. (۱۳۸۹). *فارسی عمومی*. افغانستان-کابل: ناشر اداره دارالنشر افغانستان.
- کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). *موسیقی شعر*. ایران: چاپ چهارم، نشر توس.
- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۷۷). *روزنه (مجموعه آموزشی شعر)*. مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- مجیر، عبدالوهاب. (۱۳۸۹). *در پیچ و خم غزل امروز بلخ*. پاکستان پیشاور: انجمن آزاد نویسندگان بلخ.
- نورنیا، نورمحمد. (۱۳۹۹). *بی‌معنایی، ره‌اشده‌گی و متن*. بلخ: کانون ادبی دیگر، چاپ مطبعه صورتگر.

- نجاریان، محمدرضا و مریم غضنفری. (۱۳۹۲). «بررسی آماری اوزان غزل‌های غالب دهلوی» اصفهان: فنون ادبی (علمی-پژوهشی) سال ۵، شماره ۲.
- عیدگاه قرطبه‌ی، وحیده. (۱۳۹۶). «بررسی بسامدی اختیارات وزنی در قصیده‌های ناصرخسرو بلخی»؛ تهران: دانشگاه تهران.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی وزن‌های کمی و تکیه‌ای-هجایی در فارسی و گیلکی»؛ ایران: دانشگاه بوعلی‌سینا، شماره ۱۱.
- یزدانی، سوسن و مسعود روحانی. (۱۳۹۲). «بررسی دوعامل موسیقایی وزن و ردیف در غزلیات امیرخسرو دهلوی و حافظ»؛ ایران: مجله بهار ادب، سال ۶، شماره ۲.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی دیدگاه‌های فیلسوفان مسلمان در باره وزن و قافیه»؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، مجله فنون ادبی، سال ۵، شماره ۱.
- بهرامیان، زهرا و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعر «انتظار» (در دوره معاصر). ایران: دانشگاه سبزواری، نشریه علمی-پژوهشی، سال ۶، شماره ۱.
- یوسفی، رفیق‌هو محمدرضا شادمنامن. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای جنبه‌های موسیقی در اشعار سلمان هراتی و مهدی اخوان ثالث»؛ ایران: دانشگاه آزاد اسلامی، بهارستان سخن، سال ۱۳، شماره ۳۳.
- اتحادی، حسین. (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای موسیقی بیرونی و کناری غزل‌های سنایی و عطار»؛ ایران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- میرزاحمدی، محمدحسن. (۱۳۸۳). «بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌های فلسفی افلاطون و فارابی»؛ تبریز: دانشگاه تبریز، سال ۴۷، شماره ۱۹۱.
- کی منش، عباس. (بی تا). «پیوند شعر و موسیقی و چگونگی همخوانی اوزان با مضامین در دیوان عنصری»؛ تهران: دانشگاه تهران.
- حکمت، شاهرخ و دیگران. (۱۳۹۹). «تحلیل مقایسه‌ای ساخت‌گذاری در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم و اسفندیار»؛ ایران: اراک، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۱۷، شماره ۶۸.
- صدیقه علیپور، پوران. (۱۳۸۸). «ریخت‌شناسی معنایی وزن در شعر فارسی»؛ ایران: نشریه علمی-پژوهشی گوهرگویا، سال ۳، شماره ۳.
- ناصری، محمد اسماعیل. (۱۳۹۸). «رحاف در زبان عربی و فارسی دری»؛ ایران: شفای دل؛ فصلنامه علمی-تخصصی زبان و ادبیات فارسی، سال ۲، شماره ۳.
- جدیدالاسلامی قلعه نو، حبیب و نسرین صفایی کشتگر. (۱۳۹۰). «موسیقی بیرونی دیوان بیدل دهلوی»؛ ایران: دانشگاه سیستان و بلوچستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ۳، شماره ۶.

